



## سرای خلوئی

چنین خلوتی را فراهم می‌کند و فرصت و مجالی می‌دهد برای پرداختن به امور نفس خویش و جلوه‌گری نور محبت خدا در اعماق سرای وجود انسان، تا انسان بدون دلواپسی از کارهای انجام نشده و وابستگیهای روزمره، خود را در سرای معبود خویش نظاره‌گر باشد.

حضرت صادق - علیه السلام -

فرمود:

«...»

هیچ گنجی بی‌دد و بی‌دام نیست

جز به خلوتگاه حق، دل رام نیست

انسان در گریز از هوای نفس و فرار از اشتغالات زندگی، در طریقت انس با معبود همواره نیازمند خلوتی است تا در انزوای وجود خویش در آثار صنع پروردگارش با دیده عبرت بیندیشد و با سوز دل و اشک دیده، باطن خود را از زنگار گناهان بشوید و خانه دل را مصفای حضور خالق هستی بخش سازد، و اعتکاف زمینه

إِلَى طَلْبِكَ وَعَلَيْكَ أَنْ أَسُدَّ فَاثَقَّكَ؛<sup>۱</sup> در تورات نوشته شده است: ای فرزند آدم! برای انجام عبادت من فراغتی به وجود بیاور تا من دل تو را از بی نیازی سرشار سازم و بدون اینکه تو طلب کنی، حاجتت را برآورده کنم و من خود را ملتزم می‌دانم که حوائج تو را برطرف نمایم.»

و نیز آن حضرت نقل نموده که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ غَشِيَ الْعِبَادَةَ فَعَانَتْهَا وَأَحَبَّهَا يَجْسُدُهُ وَتَفَرَّغَ لَهَا: با فضیلت‌ترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و با اشتیاق تمام عبادت را به آغوش بکشد و با جسمش آن را دوست بدارد و برای آن فراغتی به وجود بیاورد.»

مساجد همواره به عنوان پایگاه اعتکاف، مرکز خلوت و انس عابدان

با معبود خویش محسوب می‌گردند و اعتکاف روزهایی در خلوت خویش با خود بودن و به یاد خدا زیستن است. اعتکاف گشت و گذاری است در کوچه پس کوچه‌های درون و گشتن در دنیای «تو»ی دل و شناختن خود و مجاهده با نفس و انس با معبود. اعتکاف بریدن از غیر و پیوستن به دوست برای دوباره برگشتن به جامعه است، منتهی با ره توشه درون سازی. اعتکاف هجرتی درونی برای سیر در دنیای باطن است و مروری بر نفسانیات خویش است تا گام تهذیب برداریم و گام بندگی بگیریم. اعتکاف تمرینی است سه روزه، با «قیام» و شب زنده داری و «صیام» و روزه داری تا یک عمر در معبد نیاز و سجده گاه راز و نیاز، معتکف حریم بندگی باشیم. اعتکاف اهل عبادت را «عید حضور» است و اهل غفلت را روزنه‌ای به سوی نور.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت،

ج ۷۰، ص ۲۵۲؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳

۲. بحار الانوار، همان؛ اصول کافی، همان.

خواندن و شنیدن کجا و دیدن و چشیدن کجا.<sup>۱</sup>

آنچه پیش رو دارید نگاهی است گذرا به سه بحث از مباحث فراوان اعتکاف؛ اهمیت و فضیلت اعتکاف در قرآن و روایات، و اینکه معتکف شدن و بودن، نیاز همه اقشار جامعه است از رئیس و مرئوس، از مرجع و مقلد، استاد و شاگرد، و باسواد و بی سواد، و مرد و زن و... و همین طور نگاهی داریم به راههای توسعه اعتکاف.

### اهمیت و فضیلت اعتکاف

#### الف. قرآن

اعتکاف در لغت به معنای حبس و توقف و رو کردن به چیزی است با تعظیم و تکریم؛ و در اصطلاح، به معنای توقف و ماندن سه روز و بیشتر از آن در مسجد جامع می‌باشد.<sup>۲</sup> قرآن کریم در آیاتی به مسئله اعتکاف اشاره کرده است؛ از جمله

۱. جملات پایانی اقتباس از جواد محدثی،

خیمه، ویژه نامه اعتکاف، رجب ۱۴۲۴، ص ۸.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، تهران، دفتر نشر

الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴، ص ۳۴۳ و مجمع

البحرین؛ ج ۷، ص ۱۰۳، ماده عکف.

به حضرت ابراهیم و اسماعیل - علیهما السلام - فرمان می‌دهد که خانه خدا را برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگذاران آماده سازید، آنجا که فرمود: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیٰ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾<sup>۳</sup> و [به خاطر بیاورید]

هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن برای مردم قرار دادیم، و [برای تجدید خاطره] از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید، و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید.

این آیه شریفه به صراحت از اعتکاف در مسجد الحرام سخن به

میان آورده است، ولی از آنجا که همه مساجد خانه‌های خداوند در روی زمین هستند،<sup>۱</sup> اعتکاف در هر یک از آنها در صورت جامع بودن مورد توجه خداوند است و دارای پاداش فراوان؛ البته با حفظ مراتب و درجات مساجد.

در آیه‌ای دیگر به یکی از احکام اعتکاف در مسجد پرداخته می‌فرماید: ﴿وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾<sup>۲</sup>؛ «و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید. این مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند این چنین آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار گردند.»

آیه فوق علاوه بر بیان یکی از احکام اعتکاف، این مسئله را بیان می‌کند که اعتکاف اختصاص به مسجد-الحرام و یا مسجد النبی ندارد؛ بلکه در مساجد دیگری نیز می‌توان اعتکاف کرد.

ب. روایات

۱. معجون شفا بخش

اعتکاف مجموعه‌ای مرکب از مهم-ترین عبادات واجب و مستحب است؛ لذا معجونی است شفا بخش و سازنده؛ هم اثر نماز در آن است - که یاد خدا و بازدارندگی از گناهان باشد<sup>۳</sup> - و هم نتیجه روزه - که سرّی از اسرار الهی است - چنانکه حضرت رضا - علیه السلام - فرمود: «الصَّوْمُ سِرٌّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَبْدِ؛ روزه سرّی بین خدا و بنده است.» و هم پاداش آن خدا و با خدا است که

۳. اشاره به آیه ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَلْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ﴾

۴. بحار الانوار، همان. ج ۶۹، ص ۳۸۱.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت،

ج ۸۳، ص ۳۸۳.

۲. بقره / ۱۸۷.

«الصَّوْمَ لِي وَآتَا أَجْرِي بِهِ»<sup>۱</sup> روزه برای من است و من جزا می‌دهم (و یا من جزای او هستم).

مخصوصاً روزه ایام البیض در ماه رجب آثار ویژه‌ای دارد، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

«هر کس سه روز از وسط ماه رجب (سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم) را روزه بدارد و در شبهایش به نماز شب قیام کند، از دنیا رحلت نمی‌کند مگر با توبه نصوح»<sup>۲</sup>

علی - علیه السلام - فرمود: «هر کس یک روز از ماه رجب را در اول یا وسط یا آخر آن روزه بگیرد، گناهان او بخشیده می‌شود»<sup>۳</sup>

امام صادق - علیه السلام - فرمود: «کسی که ایام البیض از ماه رجب را

روزه بگیرد، خداوند به ازای هر روز، ثواب روزه داری و شب زنده داری یک سال را برای او بنویسد، و در روز قیامت، در جایگاه ایمن شدگان از آتش دوزخ خواهد ایستاد»<sup>۴</sup>

همچنین بعضی از تروک حج در اعتکاف وجود دارد؛ مانند ترک نگاه به آینه، و عطر زدن و مجادله و... که تمرین دوری از محرّمات است و بخشش گناهان را در پی دارد.

و هم دعا در آن است که مغز و مخ عبادات به شمار می‌رود. «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ؛ دعا مغز عبادت است و کسی با [داشتن حالت] دعا به هلاکت نمی‌رسد»<sup>۵</sup>

راستی اگر این مجموعه عبادات، با زمزمه نماز شب و اعتراف به گناهان

۱. همان، ج ۹۶، ص ۲۵۴.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار

احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ م،

ج ۷ (بیست جلدی) ص ۳۵۷، ح ۲۱.

۳. همان، ص ۳۵۴، ح ۱۰.

۴. همان، ص ۳۵۷، ح ۲۲.

۵. شیخ عباس قمی، سفینة البحار، مکتبه

السنائی، ج ۱، ص ۴۴۶.

همراه شود، چه آثار گرانسنگی در پی خواهد داشت.

سنتی است

انسان اگر کمترین توجهی به پرونده خویش داشته باشد، می بیند کوله باری از گناهان، آن را پر کرده است. اعتکاف فرصتی است برای تخفیف بار گناهان، و باید در اعتکاف عرضه داریم که:

ای عفو تو شامل گناهان

کوی تو پناه بی پناهان

ای مرهم قلب خسته من

ای راز دل شکسته من

بر خسته دلان شفای دردی

محرورم نکرده دردمندی

بنگر ز گنه چه تیره روزم

چون شمع به درگهت بسوزم

و در روایت می خوانیم که «مَنْ

إِعْتَكَفَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ

ذَنْبِهِ»<sup>۱</sup> هر کس از روی ایمان و

حسابگری معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می شود.» و همچون انسانی که تازه از مادر تولد یافته، خواهد بود. این نشان می دهد که اعتکاف آن قدر اهمیت دارد که می تواند گناه گذشته انسان را پاک کند.

سنتی است

عاقبت به خیری یا رهایی از آتش

جهنم، آرزوی تمام اولیاء و بزرگان

بوده است. در دعای جوشن کبیر با

آن عظمتش که مشتمل بر هزار اسم

خداوند (و شاید اسم اعظم الهی)

است، بعد از هر ده اسم مبارک

خداوند، فریاد می کشیم: منزهی تو

ای کسی که معبودی جز تو نیست...

«خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبُّ؛ ما را از آتش

نجات بده! ای پروردگارم.»<sup>۲</sup>

و در دعای مبارک مجیر که در ایام

البيض هم وارد است، بعد از هر دو

۱. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه

کبیر.

الرساله، ج ۸، ح ۲۴۰۰۷.

اسم مبارک خداوند می‌گوییم: «أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ! ما را از آتش [جهنم] پناه ده، ای پناه دهنده.»  
 از فضیلت و عظمت اعتکاف است که انسان می‌تواند در این چند روز توقف در مسجد، آینده خود را بیمه کند و خود را از آتش جهنم برهاند، چنان که در حدیث نبوی می‌خوانیم: «مَنْ اعْتَكَفَ يَوْمًا اِثْتِغَاءً وَجْهَ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَةَ خُنَاقٍ؛ هر کسی روزی را برای خدا اعتکاف کند، خداوند بین او و آتش [جهنم] سه خندق فاصله قرار می‌دهد [و او را از آتش دوزخ نجات می‌دهد].»

خدا، پاداش ﴿يُغْفِرُ حِسَابٌ﴾، یعنی بی حد و مرز قرار داده است. یکی از اعمالی که چنین پاداشی دارد، اعتکاف است. در حدیثی آمده است که «الْمُعْتَكِفُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ وَيَجْرِي لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ عَامِلٍ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا؛<sup>۲</sup> معتکف گناهان را متوقف نموده [و از بین می‌برد] و اجری بسان اجر انجام دهنده تمام نیکبها دریافت می‌دارد.»

و این پاداش آنگاه دو چندان خواهد شد که در کنار اعتکاف، روزه ماه رجب را هم اضافه کنیم، و آنگاه معنای «أَيُّنَ الرَّجِيِّونَ» روشن می‌شود. حضرت صادق - علیه السلام -

فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٌ مِنْ بَطْنِ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجِيِّونَ؟ يَقُومُ أَنَسٌ يَضِيءُ وَجْهُهُمْ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى رُؤُوسِهِمْ تَبْجَانُ الْمَلِكِ وَذَكَرَ ثَوَابًا جَزِيلًا إِلَى أَنْ قَالَ: هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئًا

۱. همان، ص ۱۳۲، دعای مجیر.

۲. همان، ج ۸، حدیث ۲۴۰۱۲.

وَلَوْ يَوْمًا مِنْ أَوَّلِهِ أَوْ وَسْطِهِ أَوْ آخِرِهِ؛  
 وقتی روز قیامت شد، ندا کننده‌ای از  
 درون عرش صدا می‌زند کجایند  
 «رجبیون» (اهل ماه رجب) پس  
 گروهی - که چهره آنان بر جمعیت  
 درخشان است و تاج شاهی بر سر  
 دارند - به پا خیزند. آن گاه امام  
 صادق - علیه السلام - ثوابهای  
 زیادی نام برد. و بعد فرمود: همه  
 اینها برای کسی است که قسمتی از  
 ماه رجب را روزه بگیرد؛ اگر چه  
 یک روز در اول یا وسط یا آخر آن  
 باشد.»

البته همه این پاداشها برای کسانی  
 است که اعتکاف جامع شرایط  
 داشته باشند؛ هم احکام آن را  
 مراعات نمایند و هم آداب باطنی و  
 ظاهری آن و در واقع به اوج  
 اعتکاف رسیده باشند.

سید بن طاووس - رحمه الله - می-  
 گوید: «بدان که اوج و کمال اعتکاف  
 آن است که انسان عقل و دل و

دیگر اعضای بدن خویش را تنها بر  
 اعمال صالح وقف کند و آنها را بر  
 درگاه خداوند و اراده مقدس او  
 حبس نماید. معتکف باید فکر و  
 جان و اعضای خود را با افسارهای  
 مراقبت به خوبی مهار کند و از  
 چیزهایی که روزه دار باید از آن  
 بپرهیزد، کاملاً خودداری کند، بلکه  
 دقت و مراقبه معتکف باید به مراتب  
 بیشتر از روزه دار باشد؛ زیرا او هم  
 روزه دار است و هم معتکف، و هر  
 معتکفی خود را ملزم نموده است که  
 با تمام وجود به خداوند متعال روی  
 آورد و رویگردانی و غفلت از حق  
 را یکسره کنار نهد.

بنابراین هرگاه معتکف نور عقل و  
 جانش را به غیر خدا مشغول کند،  
 یا عضوی از اعضای بدنش را به غیر  
 خدا مشغول کند، یا عضوی از  
 اعضای بدنش را در کاری که طاعت  
 پروردگار نیست به کار گیرد، به  
 همان میزانی که غفلت نموده، یا



اعتكاف

است.

رواج و دو عمره

آه چه از ثوابها و پاداشها بیان شد، مریوط به مطلق اعتكاف بود، و اشاره شد که این پاداشها در ماه رجب افزایش نمی یابد. و در ماه مبارک رمضان - مخصوصاً دهه آخر - چندین برابر افزایش می یابد؛ زیرا اعتكاف همراه با زمانی می شود که در آن نفسهای انسان تسبیح است و خوابش عبادت، و طاعاتش پذیرفته شده، و خواندن یک آیه برابر با یک ختم قرآن.

آنگاه اگر این ثوابها همراه با ثوابهای شبها و روزهای قدر شود، سر از کجا در می آورد.

از اینجا می فهمیم که چرا پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - همیشه دهه آخر ماه مبارک رمضان را اعتكاف می کرد، چنان که امام صادق - علیه

السلام - می فرمود: «اعتكف رسول الله - صلی الله علیه و آله - فی شهر رمضان فی العشر الأول ثم اعتكف فی النایفة فی العشر الأوسط ثم اعتكف فی النایفة فی العشر الآخر، ثم لم یزل یتکف فی العشر الآخر؛ پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در ماه رمضان در دهه اول معتكف شد، سپس در سال دوم، در دهه دوم معتكف شد، آنگاه در سال سوم، در دهه سوم دست به اعتكاف زد، پس برای همیشه دهه آخر رمضان را اعتكاف نمود.»

و در یکی از سالها که به خاطر جنگ بدر نتوانسته بود اعتكاف کند، دو دهه اعتكاف نمود، چنانکه

حضرت صادق - علیه السلام - می فرماید: «كاتبنا بذکر فی شهر رمضان یتکف رسول الله - صلی الله علیه و آله - فلیما أن کاد من شهر رمضان»

۱. سید بن طاووس، الاقبال الاصل، ص ۱۹۵.



عَشْرًا لِعَامِهِ، وَعَشْرًا قِضَاءُ لِمَا فَاتَهُ؛<sup>۱</sup>  
 جنگ بدر در ماه رمضان واقع شد و  
 پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله -  
 نتوانست معتکف شود، پس در سال  
 آینده بیست روز اعتکاف کرد، ده  
 روز برای همان سال و ده روز بابت  
 قضای سال گذشته.»

معلوم می‌شود اعتکاف در ماه  
 رمضان از ویژگی خاصی برخوردار  
 است که یک نمونه از ثوابش آن  
 است که سکونی از امام صادق -  
 علیه السلام - و آن حضرت از  
 پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله -  
 نقل نموده که حضرتش فرمود:  
 «إِعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَغْدِيلُ  
 حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ؛<sup>۲</sup> اعتکاف ده روز در  
 ماه رمضان معادل [ثواب] دو حج و  
 دو عمره است.»

### اعتکاف نیاز همه

مدتی است که اعتکاف مقداری  
 رونق یافته، بزرگان و مراجع و  
 مسئولان گاه به اعتکاف توصیه می-  
 کنند و در برخی موارد خود بانیان و  
 زمینه سازان اعتکافند، ولی خود آنان  
 شخصاً در اعتکاف حضور نمی‌یابند،  
 گویا اعتکاف فقط مربوط به  
 شاگردان، رعیت و زیر دستان است  
 و حال آنکه بیش از همه حضور  
 مراجع و بزرگان و مسئولان و  
 مدیران در اعتکاف ضروری می-  
 نماید؛ چرا که هم فرصتی است  
 برای رسیدگی به پرونده گذشته و  
 تجدید قوایی است برای حالت  
 معنوی آنان، و هم زمینه‌ساز و  
 مشوق بیشتر دیگران برای حضور در  
 این محفل نورانی و سراسر حضور.  
 لذا لازم است در هر منطقه، بزرگان  
 آن قوم جهت اعتکاف در مساجد  
 حضور یابند.

حضرت صادق - علیه السلام - به  
 عبد الملک فرمود: «يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي

۱. همان، ص ۳۹۷، ج ۲.

۲. همان، ج ۳.





مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید:  
«هدف حضرت مریم - علیها السلام -  
از دوری نمودن از مردم، بریدن از  
آسان و روی آوردن به سنت  
«اعتکاف» بوده است.<sup>۱</sup>

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:  
اعتکاف، در دوران جاهلیت به  
عنوان یک عمل عبادی رائج بوده  
است<sup>۲</sup> و حضرت محمد - صلی الله  
علیه و آله - که هنوز مبعوث به  
رسالت نشده بود، هر سال چند ماه  
را در غار حرا اعتکاف می‌کردند.<sup>۳</sup>  
ولی در اسلام با احکام و شرایط  
جدید، توسط شخص پیامبر اکرم -  
صلی الله علیه و آله - عملاً ترویج  
شد؛ لذا حضرت در دهه آخر ماه  
مبارک رمضان همیشه معتکف بود.

۱. بحار الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.  
۲. بحار الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.  
۳. بحار الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.  
کتاب اعتکاف، ص ۲۳۹.  
بحار الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.

۴. امام علی (ع) علیه السلام - می‌گوید:  
فرمایند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ - إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ  
فِي الْمَسْجِدِ وَضَمَّتْ لَهُ قَبَّةٌ مِنْ شَعْرِ،  
وَتَشْرُ الْمِيزَ وَطَوَى فِرَاشَهُ»<sup>۱</sup> همیشه  
این گونه بود که در دهه آخر [ماه  
رمضان] رسول خدا در مسجد  
معتکف می‌شد، خیمه‌ای از پشم  
برای او بر پا می‌کردند، و او پرده‌ای  
می‌آویخت و بستر خواب را جمع  
می‌کرد.

و علی - علیه السلام - در زمینه  
اعتکاف پیامبر اکرم - صلی الله علیه  
و آله - می‌فرمود: «قَلَّمَ يَزَلُ يَعْتَكِفُ فِي  
الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَقَّأَ  
اللَّهُ؛»<sup>۲</sup> پس [پیامبر اکرم - صلی الله  
علیه و آله -] همیشه در دهه آخر ماه  
رمضان در حال اعتکاف بود تا آن  
وقت که خداوند جان او را گرفت.

روشن است وقتی پیامبر اکرم -  
صلی الله علیه و آله - این همه به

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷، ح ۱.  
۲. بحار الانوار، همان، ج ۹۴، ص ۷.

اعتکاف اهمیت می‌دهد، و به آن احساس نیاز می‌کند، آیا دیگران نیاز ندارند که به اعتکاف بیشتر اهمیت دهند، و در آن حضور عملی و عینی پیدا کنند؟ از معصومین که بگذریم، علما و مراجع گذشته، این سنت با ارزش را به خوبی پاس می‌داشتند و شخصاً در مراسم اعتکاف حضور می‌یافتند و یا تشویق به اعتکاف می‌کردند که به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. شیخ بهایی و شیخ عیسی عاملی: در عصر صفویه در سایه تلاشها و حضور عینی دو عالم بزرگ آن زمان، شیخ بهایی - قدس سره - (۹۳۵ - ۱۰۳۰ هجری قمری) و شیخ لطف الله عیسی عاملی اصفهانی (متوفای ۱۰۳۲ - ۱۰۳۳ هجری قمری) اعتکاف رونق

خاصی در شهرهای ایران به ویژه قزوین و اصفهان یافت.<sup>۱</sup>

۲. مقدس اردبیلی: یکی از سالهای قحطی، مرحوم مقدس تمام خوراکی منزل را بین فقرا تقسیم می‌کند، و برای خود چون فقرا، سهمی بر می‌دارد. همسرش به او تندی نموده و می‌گوید: در مثل چنین سالی اولاد خود را فقیر می‌گذاری؟ آن مرحوم چیزی نمی‌گوید و با آن اوضاع برای اعتکاف به مسجد کوفه می‌رود و در آنجا معتکف می‌شود. روز دوم اعتکاف او، شخصی مقداری گندم اعلا و آرد نرم به خانه آن مرحوم می‌آورد، و می‌گوید: صاحب منزل اینها را برای شما فرستاده و خود در مسجد کوفه معتکف است.

پس از پایان اعتکاف که مقدس به خانه می‌آید، همسرش به او می‌گوید: آذوقه‌ای که به وسیله آن

۱. مجله خیمه، همان، ص ۲۱.

عرب فرستاده بودی بسیار عالی و درجه یک بود. مرحوم مقدس متوجه می‌شود که این از جانب خداوند و عنایت حضرت مهدی - علیه السلام - بوده است، پس حمد و ثنای الهی به جای می‌آورد.<sup>۱</sup>

۳. مرحوم قاضی طباطبائی: او که استاد کل عرفا بود، در مسجد کوفه و مسجد سهله حجره داشت، و بعضی از شبها را به تنهایی در آن حجرات بیتوته می‌کرد و شاگردان خود را توصیه می‌کرد، بعضی از شبها به عبادت در مسجد کوفه و یا سهله پردازند.<sup>۲</sup>

۴. میرزا حسین خلیلی: حاج میرزا حسین خلیلی متولد ۱۲۳۰ در نجف اشرف و متوفای ۱۳۲۶، از شاگردان مبرز شیخ انصاری - رحمه الله - بود. وی اخلاقی نیکو و نفسی کریم و

۱. فوائد الرضویه، ص ۲۳. به نقل از سید مهدی شمس الدین، ره توشه سالکان، انتشارات قدس، اول، ۱۳۷۳، ص ۸۶ - ۸۷ با تلخیص.

۲. مهر تابان، ص ۱۹.

دستی باز داشت. از خصوصیات او این بود که هر ساله دهه آخر ماه رمضان را در مسجد کوفه معتکف می‌شد. در بین طلوعین زیارت عاشورای او ترک نمی‌شد. و در اغلب زیارات مخصوصه از نجف تا کربلا پیاده می‌رفت.<sup>۳</sup>

۵. شیخ حسنعلی نخوردکی: عالم عامل، شیخ حسن علی نخوردکی اصفهانی، بسیاری از عمر ارزشمند خود را به اعتکاف سپری نمود. او استمداد از ارواح مطهر ائمه هدی - علیهم السلام - را یکی از شرایط سلوک الی الله می‌دانست، از این رو به «اعتکاف» و زیارت مشاهد متبرکه ائمه - علیهم السلام - اهتمام می‌ورزید. و همچنین در مساجد و بقاع متبرکه مانند مسجد لبنان، و مقبره علی بن سهل اصفهانی، و... و همچنین کوه صفا - که محل عبادت

۳. زندگانی شیخ انصاری، ص ۲۴۹، به نقل از

ره توشه سالکان، همان، ص ۸۸

استاد ایشان بود - به «اعتکاف» و عبادت مشغول می‌شد.<sup>۱</sup>

مرحوم

میرزا مهدی بروجردی (۱۳۰۰ -

۱۳۸۹ هجری قمری) از ملازمان و

کارپردازان آیت الله شیخ عبد الکریم

حائری - رحمه الله - ، مؤسس حوزه

علمیه قم بود. یکی از استادان حوزه

درباره میرزا مهدی می گوید: «ایشان

زمانی به تنهایی درمسجد امام حسن

عسکری - علیه السلام - معتکف

می‌شدند و هیچ کس دیگری با وی

نبود. این جانب نیز به دو دلیل به

ایشان ملحق شدم. اول آنکه اعتکاف

را دوست می‌داشتم. دیگر اینکه

اعتکاف که سنت پیامبر ماست، رنگ

فراموشی به خود گرفته بود، و

وظیفه هر مسلمانی است که به قدر

توان خود در راه احیاء و ترویج

سته‌های اسلامی کوشش کند... آیت

الله بروجردی - رحمه الله - علاوه بر

تعطیل درسها در ایام اعتکاف،

معتکفان را مورد لطف و رحمت

قرار می‌داد.<sup>۲</sup>

استاد مطهری - رحمه الله - می‌گوید:

«ما که بچه بودیم در منزل خود ما

— من از هفت و هشت سالگی

کاملاً یادم هست — اصلاً اینکه ماه

رجب دارد می‌آید مشخص بود.

می‌گفتند: یک هفته به ماه رجب

مانده، سه روز مانده، امشب احتمالاً

شب اول ماه رجب است... مرحوم

ابوی ما و مرحوم والده ما غیر از

اول و آخر ماه رجب و غیر از ایام-

البیض، پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها روزه

بودند و بلکه مرحوم ابوی ما در

بعضی از سالها دو ماه رجب و

شعبان را پیوسته روزه می‌گرفتند و

به ماه مبارک رمضان متصل می-

۲. مجله خیمه، همان، ص ۲۳.

۱. همان، ص ۸۹ و رک: نشان از بی نشانها،

کردند. اصلاً این ماه، ماه استغفار و توبه و عبادت است.<sup>۱</sup>

در جای دیگری می‌گوید: «در سال ۱۳۲۱ به اصفهان رفته بودیم... در مدرسه نیماورد اصفهان بودیم... یک وقت صدای مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی را شنیدم... با همان آهنگی که داشت و با آن حال و روحی که داشت این تعبیر را به کار می‌برد: «آن وقتی که بگویند: «این الرجیون» و ما در پیشگاه پروردگار شرمسار باشیم، در ماه رجب هیچ چیز نداشته باشیم و اصلاً جزء رجیون شمرده نشویم، چه خواهیم کرد؟» غرض این است [که] این ماه، ماه استغفار و عبادت و روزه است و این سنتها در میان ما به کلی دارد فراموش می‌شود، ماه رجب می‌آید بزرگهایمان [متوجه نمی‌شوند] تا چه رسد به بچه‌ها. کم کم

اگر به بچه‌ها بگویم، ماه‌های قمری را از محرم تا ذی الحجه بشمار، نمی‌توانند. اصلاً فراموش می‌شود که چنین ماه‌هایی هم وجود داشته است. ولی به هر حال تکلیف هرگز از ما ساقط نمی‌شود.<sup>۲</sup>

تمامی آنچه در این بخش بیان شد، نشان می‌دهد که باید علما، بزرگان، استادان، مدیران و... در این سنت نبوی پیش قدم باشند و با شرکت خویش زمینه تشویق و ترغیب دیگران را فراهم نمایند.

راهکارهای گسترش اعتکاف

۱. پیش قدمی بزرگان

اولین عاملی که می‌تواند در توسعه و همه گیر شدن اعتکاف نقش به سزایی داشته باشد، شرکت بزرگان و خواص هر جامعه و شهر و محل است. یقیناً در هر شهری عالم محبوب، مدیر لایق، استاد و معلم

۱. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، قم،

انتشارات صدرا، ج ۸، ص ۲۳۳.

۲. همان، ص ۲۳۴ - ۲۳۵، با تلخیص.



فرزانه و... وجود دارد، اگر اینها در شرکت در اعتکاف پیشگام شوند، مردم را نیز می‌توانند به دنبال خود بکشانند.

به عنوان نمونه در جشن عاطفه‌ها و کمک به سیل زدگان و زلزله زدگان و... اول کمک شخصیت‌های درجه اول کشور اعلام می‌شود، آنگاه مردم هم به دنبال آنها حرکت می‌کنند. همین پیش قدمی را در اعتکاف هم می‌توانند اعمال کنند.

۲. طرح همزمان ابعاد فردی و

اجتماعی دین

یکی دیگر از عوامل گسترش اعتکاف و مقوله‌هایی از این دست، طرح همزمان جنبه‌های فردی و اجتماعی دین است. تاکید بر دو جنبه دین در کنار هم سبب می‌شود تا مردم به مقوله‌هایی مانند اعتکاف با عظمت بنگرند و تنها با، تاکید دائمی و یک جانبه بر جنبه‌های اجتماعی دین، ویا فوائد مادی و دنیوی آن، رفته رفته برنامه‌های عبادی و تربیتی دین را در اذهان بی‌اهمیت و کم رنگ جلوه می‌دهد. همانگونه که منحصر کردن دین در



آداب و برنامه‌های فردی و معنوی و جدا از مقوله‌های اجتماعی، تصویری ناقص از دین محسوب می‌شود.

امروزه به لطف الهی خیل عظیمی از جوانان کشور، تشنه و جویای معنویتند. آنان به دنبال روزه‌ای می‌گردند تا شمیم دل انگیز معنویت اسلامی را از آن استشمام کنند. بها دادن به پدیده‌هایی همچون اعتکاف، پاسخی مثبت و مشروع به این نیاز حیاتی و بنیادین نسل جوان و جامعه است.<sup>۱</sup>

### ۳. تبیین سادگی و عدم دشواری اعتکاف

معمولاً عدم آگاهی نسبت به چیزی، سبب می‌شود تا انسان آن را سخت و دشوار تلقی کند. بی اطلاعی از احکام، آداب و شرایط اعتکاف،

باعث می‌شود تا در اذهان برخی مردم مشکل جلوه کند، حال آنکه اعتکاف گرچه با برخی محدودیتها همراه است، عمل دشواری نیست.

مثلاً در مورد روزه \_ که شرط حتمی اعتکاف است \_ می‌توان آن را در ماه مبارک رمضان، مخصوصاً در ایام و شبهای قدر قرار داد که زمان اصلی اعتکاف در سیره معصومان است. در این صورت، معتکف به جز روزه واجب و حضور در مسجد جهت ایام قدر، کار جداگانه‌ای انجام نداده است و تروک اعتکاف که عبارت است از بوییدن عطر و گياهان معطر، خرید و فروش و مجادله و بحث برای اظهار فضیلت و نزدیک شدن به همسر، برای یک مسلمان کار دشواری نیست.<sup>۲</sup>

۱. رحیم نوبهار، اعتکاف سستی محمدی -

صلی الله علیه و آله -، انتشارات مؤسسه

عمران مساجد، چاپ سوم، ۱۳۷۷، ص ۵۰ -

۷۰، با اضافات.

۲. با نگاهی به: اعتکاف تطهیر صحیفه اعمال،

قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۵، ص ۴۳.

۴. تبیین تاریخ اعتکاف و همراهان این راه

قرآن کریم آنجا که می‌خواهد روزه یک ماه رمضان را بر مردم واجب کند، برای پذیرش جامعه می‌فرماید: «روزه بر شما نوشته و واجب شده است؛ چنانکه بر امتهای قبل از شما واجب شده بود»<sup>۱</sup>. این نشان می‌دهد که اگر انسان بداند در این راه تنها نیست و این راه، روندگان قبلی داشته، راحت‌تر می‌تواند بپذیرد و اگر احساس کند که تنها است و اولین رونده است، احساس ترس و نگرانی دارد.

اگر بیان شود که در امتهای قبل نیز اعتکاف به صورت مشکل‌تری بوده است، و هم اکنون در جوامع اسلامی مخصوصاً در مکه و مدینه، مردم و جوانان راحت‌تر این مسئله را پذیرا شده‌اند و از آن استقبال می-

نمایند، تأثیر به‌سزایی خواهد داشت.

۵. تبیین ثواب اعتکاف

اگر بپذیریم که اعتکاف دشواریهایی دارد، باید تبیین شود که تحمل این اندک سختی و ریاضت، نتایج گرانبهایی به ارمغان می‌آورد. برخی از این آثار در بخش اول بیان شد؛ همچون بخشش گناهان، اجر بی حساب، نجات از جهنم، و همین‌طور تقویت اراده، تزکیه نفس، تعالی معنوی، چشیدن لذتهای معنوی و.. و امثال این آثار برای جامعه و مخصوصاً جوانان به‌خوبی باید بیان شود، و در سطح وسیع مطرح گردد. آنگاه به‌خوبی مردم از اعتکاف استقبال می‌نمایند.

۶. زدودن ابهام‌های موجود درباره اعتکاف

به نظر می‌رسد وجود برخی سؤالات و ابهامها پیرامون اعتکاف نیز در کم رنگ شدن این سنت اسلامی بی‌تأثیر

۱. بقره / ۱۸۳.

نبوده است. باید برای مردم روشن شود که اعتکاف با حس مسئولیت اجتماعی تنافی ندارد، و اینکه اعتکاف اتلاف بیهوده وقت نیست و در کنار آن می‌توان به مطالعه، تحصیل علم و دانش و انجام کارهای مباح پرداخت.

از جمله پرسشهایی که برای مدیران و مسئولان مطرح است، این است که در موارد ضرورت برای انجام برخی کارها، آیا می‌توانند از محل اعتکاف خارج شوند یا نه؟

اولاً: باید گفت تا داخل روز سوم نشده اعتکاف واجب نیست و اگر مشکلی پیش آمد، می‌تواند اعتکاف را بهم بزند، و حتی می‌تواند از اول به گونه‌ای نیت کند که هر وقت خواست - حتی روز سوم - از حالت اعتکاف خارج شود.<sup>۱</sup>

و ثانیاً: مواردی برای خروج از مسجد استثنا شده است، مانند: گواهی دادن در دادگاه، تشییع جنازه، نماز جماعت. و برای انجام سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی، ولی مصلحتی در آن نهفته باشد، می‌توان خارج شد.<sup>۲</sup>

ممکن است اطلاق این فتوا شامل برخی کارهای ضروری اداری نیز بشود. مرحوم صاحب وسائل شش روایت را نقل نموده که معتکف نمی‌تواند از محل اعتکاف خارج شود: «إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا؛ مگر برای کاری که ناچار از انجام آن است».<sup>۳</sup> بر فقها است که تعیین فرمایند، آیا این حاجت شامل برخی کارهای مهم اداری نمی‌شود و آیا برای انجام

۱. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، العروة

الوثقی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲، ج ۲،

ص ۸۵، مسئله ۴۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۳، مسئله ۳۰.

۳. وسائل الشیعه، همان، ج ۷، ص ۴۰۸ - ۴۰۹.

حاجات مردم می توان از مسجد خارج شد؟  
 روایتی را به عنوان حسن ختام نقل می-  
 کنیم، شاید بتواند راهگشا باشد. میمون بن  
 مهران می گوید: در نزد حسن بن علی -  
 علیه السلام - [در مسجد در حال اعتکاف]  
 نشسته بودم که مردی بر او وارد شد،  
 عرض کرد: یابن رسول الله! فلانی از من  
 مالی طلب دارد و می خواهد مرا در مقابل  
 مالش حبس کند. حضرت فرمود: به خدا  
 قسم مالی نزد من نیست تا قرضت را بپردازم.  
 عرض کرد: [لااقل] با او صحبت کنید  
 [شاید مهلت دهد]. راوی می گوید حضرت  
 امام حسن نعلین خود را پوشید [و با او راه  
 افتاد]. پس به او عرض کردم: آیا اعتکافت  
 را فراموش کردی؟  
 حضرت فرمود: «لَمْ أَنْسَ وَلَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي  
 يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ  
 آلِهِ - إِنَّهُ قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ  
 فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ تَسَعَةً آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا  
 نَهَارَهُ، قَائِمًا لَيْلَهُ، نَه، فراموش نکردم، ولی از  
 پدرم شنیدم که از جدم رسول خدا - صَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - نقل نمود که آن حضرت

فرمود: کسی که در [برآوردن] حاجت برادر  
مسلمانش تلاش کند، پس گویا خدای  
عزیز و جلیل را نه هزار سال، در حالی که  
روزها روزه دارد، و شبها در حال نماز  
بیدار است، پرستش کرده است.»

از روایت فوق استفاده نمی‌شود که حضرت  
اعتکافش را باطل نمود، بلکه ظاهر (والله  
العالم) این است که با حفظ اعتکاف، در  
پی حاجت آن شخص رفت. اگر این  
مطلب تمام باشد، به خوبی می‌توان نتیجه  
گرفت که می‌شود برای برآوردن حاجات  
مردم بیرون رفت و با انجام آن با سرعت  
دوباره برگشت. مخصوصاً اگر این روایت  
را در کنار شش روایت قبلی \_ که مورد  
اشاره قرار گرفت \_ قرار دهیم، به خوبی  
می‌توان گفت که یکی از موارد حاجت،  
قضای حاجت مؤمنان است، مخصوصاً در  
مواردی که لازم و حیاتی شمرده می‌شود.